

Original Article

Rereading the Principle of Universal Jurisdiction in Criminal Law Systems

Ismail Ghamari ¹, Hoda Ghamari ^{2,*}¹ Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Bakhtar Ilam Institute of Higher Education, Ilam, Iran² Master of Laws, Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Kermanshah Branch, Kermanshah, Iran**Citation** Ismail Ghamari, Hoda Ghamari, **Rereading the Principle of Universal Jurisdiction in Criminal Law Systems**. *J. Law Political Stud.*, 2023, 3(3), 197-211. <https://doi.org/10.48309/ilps.2023.3.4>**Article info:****Received:** 25 August 2023**Accepted:** 30 November 2023**Available Online:** 2 December 2023**ID:** JLPS-2311-1081**Checked for Plagiarism:** Yes**Keywords:**

Global jurisdiction, the International Criminal Court, international crime, the systems of criminal law.

ABSTRACT

The principle of universal jurisdiction of criminal laws is one of the most important principles in determining the jurisdiction of countries and criminal laws. According to this principle, any country can, without any traditional relationship with the crime of preventing the citizenship of the criminal or the defendant against the place of the crime or the interests of the country, be harmed, in order to keep the criminal unpunished, pursue and punish him. Although most countries in the world today have not recognized this principle, but very few of them have actually taken action to implement it, and this is important due to international conventions and treaties that in the event of a crime, despite the fact that the perpetrator is not a citizen of that country's "territorial jurisdiction" or "personal jurisdiction" or that the crimes are not represented by the criminal laws of the country of detention.

مقاله پژوهشی

بازخوانی اصل صلاحیت جهانی در نظام‌های حقوق کیفری

اسماعیل قمری^۱، هدی قمری^{۲*}^۱ استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی موسسه آموزش عالی باختر ایلام، ایلام، ایران^۲ کارشناسی ارشد حقوق، گرایش حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

Use your device to scan and read the article online



ارجاع اسماعیل قمری، هدی قمری، بازخوانی اصل صلاحیت جهانی در نظام‌های حقوق کیفری، نشریه حقوق و

مطالعات سیاسی، دوره ۳، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۲: ۲۱۱-۱۹۷.

doi <https://doi.org/10.48309/jlps.2023.3.4>

چکیده



اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۳ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۹ آذر ۱۴۰۳

تاریخ آنلاین شدن: ۱۱ آذر ۱۴۰۳

کد مقاله: JLPS-2311-1081

بررسی شده با نرم افزار سرقت ادبی: بله

کلیدواژگان:

صلاحیت جهانی، دیوان بین‌المللی کیفری، جرائم بین‌المللی، نظام‌های حقوق کیفری.

یکی از انواع اصول صلاحیت کیفری فراسرزمینی، اصل صلاحیت جهانی است. صلاحیت جهانی قوانین کیفری یکی از اصول مهم در تعیین صلاحیت کشورها و قوانین کیفری است. مطابق این اصل، هر کشوری می‌تواند بدون اینکه هیچ رابطه سنتی با جرم از لحاظ تابعیت مجرم یا مجنی‌علیه، محل وقوع جرم یا منافع کشور صدمه‌دیده، داشته باشد، به‌منظور جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرم، او را تحت تعقیب و مجازات قرار دهد. روش گردآوری اطلاعات در این پروژه کتابخانه‌ای است که اصلی‌ترین ابزار در این روش، کتاب و مقالات موجود پیرامون موضوع پژوهش است که سعی شده حتی‌المقدور از منابع درجه اول استفاده شود و روش پژوهش، حقوقی یعنی مبتنی بر استدلال و براهین عقلی و نقلی است. اگرچه اکثر کشورهای جهان امروزه این اصل را به رسمیت شناخته‌اند؛ اما تعداد بسیار کمی از آنها عملاً اقدام به اجرای اصل مزبور کرده‌اند و این مهم به‌موجب کنوانسیون‌ها و عهدنامه‌های بین‌المللی محقق می‌گردد تا در صورت ارتکاب جرم، علی‌رغم اینکه مرتکب در سرزمین آن کشور «صلاحیت سرزمینی» و یا تبعه آن کشور «صلاحیت شخصی» و یا اینکه از جمله جرائم منصوص در قوانین کیفری «صلاحیت واقعی» نبوده، دادگاه‌های کشور محل دستگیری طبق قوانین کیفری خود مرتکب را محاکمه و مجازات می‌نمایند.

مقدمه

ایجاد دیوان بین‌المللی کیفری دائمی که بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸ انجام گرفت، فرصتی برای مذاکرات و بازنگری‌های اساسی در مورد رهنامه صلاحیت جهانی فراهم آورد. به‌موجب اصل صلاحیت جهانی یک دولت می‌تواند و بلکه موظف است تا در رابطه با پاره‌ای از جرایم مهم، قطع‌نظر از محل وقوع آنها و صرف‌نظر از تابعیت مجرم یا قربانی، به جرم مذکور رسیدگی نماید. اصل صلاحیت جهانی عبارت است از گسترش صلاحیت اعمال قوانین کیفری نسبت به جرائم بین‌المللی، مطابق این اصل، دولت‌ها حق تعقیب برخی از مجرمین را در داخل قلمرو خود دارند، بدون توجه به اینکه

در گذشته تنها دو جرم دزدی دریایی و برده‌داری موضوع این نوع صلاحیت بودند؛ اما در طی چند قرن اخیر، قاعده صلاحیت جهانی اندکی از شکل ابتدایی خود خارج شده و تکامل یافته است. این اصل نه تنها دزدان دریایی، بلکه فهرست کامل‌تری از جنایات بین‌المللی، از جمله تجارت برده، نسل‌کشی، شکنجه و غیره را شامل می‌شود. این فهرست به‌موازات گستردگی ابعاد قواعد بین‌المللی وسیع‌تر شده است. در دهه گذشته، کاربرد صلاحیت جهانی توسط دولت‌ها با سرعت بیشتری روبه‌رشد بوده است. مذاکرات گسترده بر سر

غیرقانونی، دزدی دریایی، جرائم مربوط به ارتباطات هوایی بین‌المللی، تهدید و توسل به زور علیه افراد حمایت شده بین‌المللی، گروگان‌گیری، استفاده نامشروع از نامه‌ها، جرائم مربوط به مواد مخدر، تحریف و جعل، انهدام و یا سرقت خزائن باستانی و ملی، رشوه‌گیری مقامات عمومی خارجی، سرقت کابل‌های زیردریایی و قاچاق بین‌المللی نشریات مستهجن. پروفیسور بسیونی دو دسته دیگر را نیز به این فهرست اضافه نموده است، (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۹).

سرقت سلاح‌های اتمی که متفاوت با کاربرد غیرقانونی اسلحه است، تخریب محیط‌زیست صلاحیت جدید مطرح شده در مورد تعقیب حقوق‌دانان دیگری هم هستند که کشتی‌های خارجی مراجعه‌کننده به بنادر را به جرم نقض استانداردهای بین‌المللی صلاحیت جهانی قلمداد می‌کنند. اگر بخواهیم شواهدی برای بین‌المللی بودن این جرائم پیدا کنیم، می‌توانیم به کنوانسیون‌های متعددی که در این زمینه منعقد شده و این جرائم را شرح می‌دهند و البته در اکثر اوقات حتی صلاحیت جهانی را نیز برای رسیدگی به این جرائم پذیرفته‌اند، مراجعه کنیم، مثل کنوانسیون مربوط به هواپیماربائی یا گروگان‌گیری و جرم ناپدید، جرم دیگری که اخیراً به فهرست جرائم بین‌المللی اضافه شده است. اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حمایت از همه اشخاص در قبال ناپدید اجباری متضمن مقرراتی جهت اعمال صلاحیت جهانی نسبت به اشخاصی است که مسئول ارتکاب جرم ناپدید اجباری تلقی می‌شوند صلاحیت‌های کلاسیک و صلاحیت جهانی صلاحیت قضائی دولت‌ها تابع صلاحیت قانونی آنان است؛ آن‌ها برای حفظ اقتدارشان و محاکمه مرتکبان جرم و پرهیز از بی مجازات ماندن ایشان، برای خود صلاحیت ایجاد می‌نمایند. این صلاحیت‌ها انواع مختلفی دارند؛ اما در اینجا این صلاحیت‌ها تابع دودسته اصول اساسی و تکمیلی هستند. در نظام کیفری تمام کشورها، یک اصل اساسی وجود دارد و آن هم اصل صلاحیت سرزمینی است؛ اما این اصل قادر نیست در تمام اوقات منافع دولت‌ها، اتباع و

جرم در کجا رخ داده است و مجرم یا قربانی تبعه چه کشوری هستند. اصل صلاحیت جهانی یا همگانی بر این فرض مبتنی است که برخی جرائم آن چنان در نظر همه افراد جامعه جهانی قبیح و قابل سرزنش محسوب می‌شوند که مرتکب آن‌ها را می‌توان دشمن همه ملل فرض کرد؛ بنابراین هر دولتی حق تعقیب، محاکمه و مجازات چنین مجرمی را خواهد داشت. گروه حقوق بین‌الملل در پیش‌نویس قانون جرائم علیه صلح و امنیت بشر ۱۹۹۶ جنایات علیه بشریت، جنایت نسل‌زدایی، جرائم علیه سازمان ملل و کارکنان آن و جنایات جنگی رادر حوزه صلاحیت جهانی قرار داده است. علاوه بر جرایم مزبور، قاچاق زنان و دختران، قاچاق کودکان، گروگان‌گیری، دزدی دریایی، تجارت برده، قاچاق مواد مخدر، تجارت نشریات مستهجن، جعل اسکناس در خارج از کشور، اعمال غیر قانونی علیه امنیت هواپیما و نژاد پرستی جرایمی هستند که به موجب معاهدات مربوط مشمول صلاحیت جهانی می‌باشند. با وجود این شمار جرایمی که به موجب حقوق بین‌الملل در حوزه صلاحیت جهانی قرار می‌گیرند روبه افزایش است. مثلاً ربودن اشخاص در شرایطی که از جرایم علیه بشریت تلقی نشود، به موجب کنوانسیون آمریکایی ناظر به ربودن اشخاص به‌عنوان جرمی تلقی شده است که در قلمرو صلاحیت جهانی قرار دارد. اخیراً برخی معاهدات چند جانبه برای جرایمی مشخص مانند حمله علیه دیپلمات‌ها، امنیت هسته‌ای، تروریسم، آپارتاید و شکنجه نیز صلاحیت جهانی را به رسمیت شناخته‌اند.

۱- اصل صلاحیت جهانی در عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی

تا امروز فهرست‌های متعددی از این جرائم تهیه شده است، اما کامل‌ترین آن، هم جرائم و هم جنایات بین‌المللی را دربر دارد، توسط پروفیسور بسیونی جمع‌آوری شده است، که عبارت است از: جرم تجاوز، جرائم جنگی، کاربرد غیرقانونی اسلحه، نسل‌کشی، جرائم علیه بشریت، تبعیض نژادی، برده‌کشی و جرائم مربوط به آن، شکنجه، آزمایش‌های پزشکی

پذیرش این واقعیت که امروزه پدیده مواد مخدر و جرائم مرتبط با آن از موضوعاتی است که حیات بشری در معرض آسیب جدی قرار داده و برای بسیاری از کشورهای جهان نیز به عنوان یک معضل اساسی قلمداد می‌گردد بر کسی پوشیده نیست. جهت مبارزه با چنین پدیده‌ی شومی از دیرباز تا به امروز اقدامات فراگیری در ابعاد داخلی و بین‌المللی صورت گرفته ولی متأسفانه هنوز شاهد آثار روبه‌رشد این دسته از جرائم هستیم. موفقیت در این راه مستلزم تدوین قوانین علمی، جامع و کارآمد علیه مرتکبین جرائم مزبور و همچنین تضمین کافی جهت اجرای مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی است. حرکت موفق به سوی تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری، از ابتکار عمل کشور ترینیداد و توباگو در مجمع عمومی ملل متحد، به سال ۱۹۸۹ مایه گرفت. آن کشور، پیشنهاد تأسیس یک دادگاه بین‌المللی کیفری برای تعقیب قاچاقچیان فرامرزی مواد مخدر را مطرح ساخت. در جریان اجلاس رم، ترینیداد و توباگو، بارا بادوس، دومینیک و جامائیکا رسماً پیشنهاد کردند که چنین جرمی تحت صلاحیت دیوان قرار گیرد. کشورهایی که نمایندگان آنها به حمایت از صلاحیت دیوان در رسیدگی به این جنایت سخن گفتند، عبارت بودند از: الجزایر، آرژانتین، واتیکان، جمهوری قرقیزستان، لیبی، مقدونیه، ماداگاسکار، نیجریه، تاجیکستان، تایلند، ترکیه و دولت‌های عضو جامعه کارائیب. در مقابل، قزاقستان مخالف پیش‌بینی این جرم بود، با این استدلال که پذیرفتن آن، با اصل صلاحیت تکمیلی دیوان، منافات خواهد داشت. اکثریت هیئت‌های نمایندگی احساس می‌کردند که درج این جرم در اساسنامه به حجم دستور کار دیوان بیش از حد اضافه خواهد کرد و دیوان، برای برخورد با فرایند طولانی و پیچیده پژوهش، منابع کافی در اختیار نخواهد داشت، فرایندی که بهتر است انجام آن، برای دست‌یافتن به ثمربخشی و کارایی بیشتر، به مقامات مربوطه داخلی کشورها و ترتیبات همکاری دوجانبه یا چندجانبه میان آنها، وانهاده شود، (ساک و شیایزری، ۱۳۹۳: ۴۲۶).

عدالت کیفری را پوشش دهد. به همین دلیل دولت‌ها به اصول تکمیلی که نسبت به این اصل یک استثنا هستند، متوسل می‌گردند. اصول تکمیلی عبارت‌اند از: اصل صلاحیت واقعی، اصل صلاحیت شخصی اصل صلاحیت شخصی فعال و اصل صلاحیت شخصی غیرفعال و اصل صلاحیت جهانی، (حامد، ۱۳۸۶: ۲۹).

جرائم بین‌المللی قراردادی ممکن است علیه ارزش‌های مشترک بشری ارتکاب یابد و موجب جریحه‌دار شدن وجدان جمعی انسان‌ها شود و یا علیه امنیت ملی و منافع اقتصادی یک یا چند دولت صورت گیرد، اما شدت وخامت آن‌ها به حد جرائم ذاتی بین‌المللی نمی‌رسد. به عبارت دیگر هنوز عرف بین‌المللی دائر بر جنایت تلقی کردن این جرائم شکل نگرفته است و مبنای جرم بودن آن‌ها قرارداد و یا معاهداتی است که به امضا دولت‌ها می‌رسد. نمونه این جرائم قاچاق مواد مخدر و انسان، دزدی دریایی، تخریب محیط‌زیست، نابودکردن میراث فرهنگی، پول‌شویی و فساد است. دولت‌های امضاکننده معاهدات مربوط به این جرائم، موظف‌اند که سازوکار تقنینی و قضایی لازم را در حقوق داخلی خود برای رسیدگی به آن‌ها پیش‌بینی کنند، باتوجه‌به اینکه این جرائم در دادگاه‌های داخلی رسیدگی می‌شوند از موضوعات حقوق داخلی محسوب می‌شوند، (طهماسبی، ۱۳۹۱: ۳۹).

صرف‌نظر از این‌که یک جرم جزء جرایم معاهده‌ای (قراردادی) باشد یا جرائم عرفی، مرتکب آن از نظر حقوق کیفری بین‌المللی دارای مسئولیت کیفری بین‌المللی است. منظور از مسئولیت کیفری بین‌المللی آن است که اگر یکی از تابعان حقوق بین‌الملل کیفری مرتکب نقض یکی از قواعد حقوق بین‌الملل شود که نقض آن توسط جامعه بین‌الملل جرم و جنایت تلقی شده با وجود شرایط قانونی، مرتکب مجرم تلقی و مجازات خواهد شد، (سلیمی، ۱۳۹۳: ۲۵).

- قاچاق بین‌المللی مواد مخدر و روان‌گردان

طرفی وسایل اداری بین‌المللی برای اجرای آن وجود نداشت. این عهدنامه چندان مؤثر نیفتاد و محتاج تکمیل بود، ماده ۳ کنوانسیون وین (۱۹ دسامبر ۱۹۸۸) علیه حمل و نقل غیر قانونی مواد مخدر و مواد روان گردان تعریف مفصل‌تری از این جنایات ارائه داده است. همچنین عهدنامه منفرد مربوط به مواد مخدر در ۳۰ مارس ۱۹۶۱ به تصویب سازمان ملل می‌رسد و در سال ۱۹۷۲ توسط پروتکل ژنو اصلاح شد. این عهدنامه با وجود عنوان خود، عهدنامه سال ۱۹۳۶ ژنو را به اعتبار خود می‌گذارد، (حسینی نژاد، ۱۳۹۱: ۲۵۸).

مطابق با این عهدنامه که یک سلسله اعمالی را که مطابق با مقررات عهدنامه نباشد جرم شناخته می‌شود و کشت مواد مخدر را در صورتی که برای اهداف پزشکی نباشد منع می‌کند و در این صورت هم ساخت، وارد کردن، صادر کردن و تجارت و توزیع باید مطابق آیین‌نامه باشد و دولت را هم ملزم به نظارت بر آن می‌داند.

– کنوانسیون‌های بین‌المللی و صلاحیت جهانی

برای اثبات مشروعیت یک قاعده باید به اصول و مبانی آن قاعده توجه نمود. هرچه این اصول مبانی روشن‌تر گردد و شرح و بسط یابد، پذیرش قاعده هم آسان‌تر خواهد بود. جامعه بین‌المللی در چند دهه اخیر اقدامات بسیاری برای رعایت قواعد حقوق بشر دوستانه از طریق ایجاد محدودیت برای اعمال حاکمیت از سوی دولت‌ها، صورت داده و معاهدات بین‌المللی بسیاری تدوین شده‌اند که محدوده حاکمیت دولت‌ها را تنگ‌تر می‌نماید. دولت‌ها دیگر نمی‌توانند به راحتی در قلمرو سرزمینی خود به هر اقدامی دست زنند و بی مسئولیت، به اعمال حاکمیت خود استناد نمایند. آن‌ها تعهدات بسیاری را پذیرفته‌اند که به موجب آن باید در قبال اعمالشان پاسخ‌گو باشند و یا در صورت عدم ایفای تعهدات خود، منتظر اقدامات جامعه بین‌المللی باشند. اکنون دولت‌ها با تدوین و تصویب مقررات بین‌المللی بسیاری، زمینه اعمال صلاحیت جهانی را فراهم ساخته و به مبانی آن استحکام بخشیده‌اند. در

نظر به اینکه جرائم مواد مخدر به لحاظ ساختار آن از جمله‌ی جرائم سازمان‌یافته و نوعی بزهکاری بین‌المللی محسوب می‌گردند؛ لذا اراده‌ی بین‌المللی نیز برای مقابله جدی با این پدیده‌ی ضدبشری اقدام به تصویب کنوانسیون‌هایی نموده که می‌توان به کنوانسیون واحد مواد مخدر مصوب ۱۹۶۱ نیویورک تشریفات اصلاحی آن در سال ۱۹۷۲، کنوانسیون مواد روان‌گردان مصوب ۱۹۷۱ وین و کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان مصوب ۱۹۸۸ اشاره نمود، (عسگری پور، ۱۳۸۷: ۱۲).

با نگرانی عمیق از حجم و روند روبه‌افزایش تولید، تقاضا و قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و داروهای روان‌گردان که تهدید جدی برای سلامت و سعادت بشریت به شمار می‌رود و بنیادهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه را به مخاطره می‌افکند و همچنین با نگرانی عمیق‌تر از نفوذ دائم التزامید قاچاق مواد مخدر به گروه‌های مختلف اجتماعی و به‌ویژه به لحاظ استفاده از کودکان در بسیاری از مناطق جهان در بازار مصرف قاچاق مواد مخدر به‌منظور تولید و توزیع و تجارت مواد مخدر و داروهای روان‌گردان که خطراتی غیر قابل تقویم را به دنبال دارد و با آگاهی از اینکه قاچاق مواد مخدر منافع و ثروت‌های کلانی را برای سازمان‌های جنایت‌کار برون‌مرزی به دنبال داشته و بنابراین دولت‌ها را وادار به انعقاد کنوانسیون‌ها و قراردادهایی در جهت مبارزه با این مواد کرده است. همکاری دولت‌ها در مبارزه با افراط در استعمال داروهای مضر سابقه‌ای قدیم دارد. از سال ۱۹۱۲ عهدنامه بین‌المللی افیون برای این کار امضا شد ولی در آن زمان به نظر نمی‌آمد که این مبارزه باید با مقررات کیفری هم همراه باشد. در آن عهدنامه فقط امکان این کار پیش بینی شده بود. در سال ۱۹۳۵ تعهد به مجازات وارد عهدنامه شد و در عهدنامه ژنو (۲۶ ژوئن ۱۹۳۶) مجدداً درباره مبادله مواد مخدر مقرراتی آورده شده ولی از آنجا که این عهدنامه بیش از ۳۲ کشور را ملزم نمی‌کرد (آمریکای شمالی و انگلستان عضو این عهدنامه نبودند) و از

به شرط آنکه:

اولاً: جرم توسط یکی از اتباع آن و یا شخصی ارتکاب شده باشد که محل سکونت عادی او در قلمرو آن کشور قرار داشته باشد. ثانیاً: جرم بر روی عرشه کشتی ارتکاب یافته باشد که در رابطه با آن، عضو مزبور مجاز به اتخاذ اقدام مقتضی طبق ماده ۳۱۷^۳ بوده، مشروط بر اینکه چنین صلاحیتی فقط بر مبنای موافقت‌ها و ترتیبات مذکور در بندهای ۴ و ۹ آن ماده اعمال گردیده باشد.^۴ ماده ۵ کنوانسیون مقابله با گروگان‌گیری ۱۷۹۹ نیویورک «نیز بر مبنای اصل یا (محاكمه کن یا استرداد) بر اعمال صلاحیت جهانی تأکید دارد». در خصوص مسأله صلاحیت جهانی می‌توان به کنوانسیون‌های مهم دیگری نیز اشاره نمود:

- ماده ۳۶ کنوانسیون ۳۰ مارس ۱۹۶۱ نیویورک در مورد مواد مخدر.

- ماده ۲۲ بند ۲ (a) (iv) کنوانسیون مواد روان گردان مصوب ۲۱ فوریه ۱۹۷۱ وین.

- ماده ۶ بند اول کنوانسیون اروپایی مقابله با تروریسم، مصوب ۲۷ ژانویه ۱۹۷۷ استراسبورگ.

- ماده ۸ کنوانسیون حراست فیزیکی از مواد هسته‌ای، مصوب ۳ مارس ۱۹۸۰ نیویورک.

در این قسمت به بررسی معاهدات بین‌المللی تدوین‌کننده قواعد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی پرداخته می‌شود؛ معاهداتی که دولت‌ها برای اعمال صلاحیت جهانی به آن‌ها استناد می‌نمایند.

۲- جرائم موضوع صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری

اصل صلاحیت جهانی به طور کلاسیک به عنوان یک اصل حقوقی تعریف شده است که به دولت اجازه می‌دهد و یا او را ملزم می‌کند تا در رابطه با جرائم خاص بدون در نظر گرفتن ارتباط سرزمینی با وقوع جرم یا ارتباط آن با مرتکب و یا

چند دهه اخیر حقوق بین‌الملل دچار تحولات بسیاری گردیده و کنوانسیون‌های مختلفی در خصوص مقابله با جرائم مختلف تدوین شده است که بعضی از آن‌ها اعمال صلاحیت جهانی را از سوی دول عضو پذیرفته‌اند، (حامد، ۱۳۸۶: ۴۳).

در این رابطه، به عنوان نمونه می‌توان به ماده ۴ «کنوانسیون مقابله با تصرف غیرقانونی هواپیما»^۱ مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۷۰ لاهه اشاره نمود که با پذیرش اصل «یا محاکمه کن یا استرداد» اعمال صلاحیت جهانی را به دولت‌های عضو توصیه می‌نماید. بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون فوق‌الذکر مقرر می‌نماید. در موردی که مظنون به ارتکاب جرم در قلمرو یک دولت متعاقد یافت می‌شود و این دولت طبق ماده ۸ او را به هیچ یک از دول موضوع بند یک این ماده مسترد نمی‌نماید و اقدامات لازم را برای کسب صلاحیت رسیدگی به این جرم معمول خواهد نمود. در ماده ۳ کنوانسیون آمده است «پروتکل مقابله با اقدامات غیرقانونی خشونت آمیز در فرودگاه‌هایی که در خدمت هواپیمایی کشوری بین‌المللی است»^۲ (الحاق به کنوانسیون ۱۹۷۱ مونترال) مصوب ۲۴ فوریه ۱۹۸۸ با اجرای همان اصل یا محاکمه یا استرداد به دول عضو صلاحیت جهانی اعطاء می‌نماید. همچنین ماده ۳ این پروتکل ابراز می‌دارد: هر دولت متعاقد در مواردی که متهم مورد ادعا در قلمرو آن کشور حضور داشته باشد و او را به موجب ماده ۸ به دولت موضوع جزء (الف) بند یک این ماده مسترد نکند، در صورت لزوم اقداماتی را جهت تعیین صلاحیت قضائی خود نسبت به جرائم موضوع ماده یک (بند یک مکرر) و بند ۲ ماده یک تا آنجا که آن بند در ارتباط با این جرائم، باشد، اتخاذ خواهد نمود. ماده ۴ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر مصوب ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ وین در بعضی از موارد اجازه اعمال صلاحیت جهانی را می‌دهد. شق ب از بند ۱ ماده ۴ بیان می‌دارد به اقدامات لازم برای احراز صلاحیت قضائی خود نسبت به جرائم موضوع بند ۱ ماده ۳ توسل خواهد جست.

^۳ ماده ۱۷ مربوط به تفتیش، ورود و... در کشتی مشکوک به قاچاق است.

^۴ ر.ک. مجموعه قوانین سال ۱۳۷۰

^۱ ر.ک. مجموعه قوانین سال ۱۳۵۰

^۲ ر.ک. مجموعه قوانین سال ۱۳۷۹

بنابراین مرتکب باید عمل مادی خود را مطابق یکی از بندهای پنج‌گانه‌ی خود را ماده‌ی شش اساسنامه، با علم و آگاهی انجام دهد. علاوه بر این تحقق جرم نسل‌زدایی نیازمند عنصر دیگری، یعنی سوءنیت خاص است. سوءنیت خاص در این مورد عبارت است از قصد نابودی کل یا بخشی از اعضاء یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی به اعتبار تعلق آن‌ها با گروه مورد حمایت. در غیر این صورت ممکن است مرتکب به اتهامات دیگری مثل جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی قابل تعقیب باشد؛ اما به اتهام نسل‌زدایی قابل تعقیب نیست. فقدان هر یک از عناصر مورد اشاره سبب عدم تحقق جرم نسل‌زدایی و در نتیجه عدم امکان اعمال صلاحیت دیوان تحت این عنوان می‌شود، (طهماسبی، ۱۳۹۱: ۲۴۷).

- جنایت علیه بشریت

جنایات علیه بشریت به‌طور کلی به اعمالی اطلاق می‌شود که اصول کلی حقوقی مورد اجماع جامعه بشری را نقض نموده و صرف‌نظر از اینکه کجا و بر علیه چه کسانی صورت می‌گیرند، اسباب نگرانی جامعه بین‌المللی را مهیا می‌نمایند. به‌عبارت‌دیگر آثار وخیم آن‌ها به قلمرو مرزی مشخص، محدود نشده و موجب اضطراب کل جامعه بین‌المللی می‌شوند و وجدان بشریت از وقوع آن‌ها متأثر و مشوش می‌گردد. به‌موجب ماده ۷ اساسنامه دیوان، منظور از جنایات علیه بشریت هر یک از اعمال پیش‌بینی شده در بندهای یازده گانه این ماده است که عبارتند از:

الف: قتل

ب: ریشه‌کن کردن

ج: به بردگی گرفتن

د: اخراج یا کوچ اجباری یک جمعیت

ه: حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی

که بر خلاف قواعد اساسی حقوق بین‌الملل انجام شود

و: شکنجه

قربانی جرم از حیث ملیت، مجرم را تحت تعقیب قرار دهد. این وظیفه کلیه ممالک است که با همکاری و معاضدت، علیه دشمن مشترک خود جبهه گرفته و تمام مساعی خود را در مبارزه به کار بندند. در این صورت است که مرتکبین این جنایات در سراسر دنیا برای خود محل امنی نمی‌یابند. این هدف ممکن است با تمسک به اصل صلاحیت جهانی از سوی دادگاه‌های داخلی و یا با تشکیل محاکم کیفری بین‌المللی تحقق یابد. پذیرش اصل صلاحیت جهانی به‌عنوان مبنای صلاحیت دیوان، سبب می‌شود دولت‌ها بیشتر به اعمال صلاحیت جهانی از طریق دادگاهی داخلی روی آورند. کشورها در صدد ارتقای نظام حقوق کیفری خود بر می‌آیند، تا در صورت مواجه‌شدن با وضعیتی که باید جنایت‌کاران بین‌المللی را تحت تعقیب قرار دهند، نظام حقوقی آن‌ها با مقررات حقوق بین‌الملل کیفری بخصوص اساسنامه دیوان تطبیق نماید. فصل دوم پیش‌نویس اساسنامه (شامل مواد ۵ تا ۲۰) راجع به جرایمی است که در صلاحیت دیوان و شرایط قبول شکایت وهمچنین حقوق قابل اجرا توسط دیوان است.

- نسل‌کشی

واژه‌ی نسل‌زدایی یا نسل‌کشی برای اولین بار از سوی یک حقوق‌دان لهستانی به نام رافائل لمکین در سال ۱۹۳۳ در پنجمین اجلاس یکنواخت‌سازی حقوق جزا بکار رفت. این اصطلاح از دو واژه‌ی یونانی (genos) به معنی نژاد و واژه‌ی لاتین (Genocide) به معنی قتل‌عام، ترکیب شده است، (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۲: ۸۹).

مشاره‌ایه نسل‌زدایی را «اقدامات متفاوتی می‌داند که باهدف نابودی پایه‌های اساسی زندگی یک گروه، در قالب یک نقشه برای انهدام آن گروه هدایت می‌شود». دیوان در صورتی می‌تواند صلاحیت خود را در مورد رفتاری به‌عنوان نسل‌زدایی اعمال نماید که قصد مرتکب آن رفتار، نابودکردن یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی به‌طورکلی یا بخشی از این گروه‌ها به اعتبار تعلق قربانیان به گروه‌های موردنظر باشد؛

ایران در مورد نسل‌کشی و جرایم علیه بشریت چنین اعلام گردید: در مورد نسل‌کشی نظر ما بر این است که باید در اساس‌نامه ذکر شود. در مورد جنایت علیه بشریت ضمن قبول اینکه این جرائم ممکن است در زمان جنگ یا صلح واقع شوند این جرائم باید «سامان‌مند و عمومی که همه‌ی افراد را در بر بگیرد» باشد، (شریعت باقری، ۱۳۸۵: ۱۳).

– جنایات جنگی (جرائم جنگی)

جنایات جنگی قدیمی‌ترین گروه از چهار دسته جرایمی است که صلاحیت موضوعی دیوان را تشکیل می‌دهند. پیش از ظهور حقوق کیفری به شکل امروزی، در منازعات مسلحانه همواره ارتکاب اعمال و رفتارهای خاصی ممنوع بوده و سرزنش عمومی را در پی داشته است، در مکتب اسلام دستورات متعددی در مورد رفتار سپاهیان در حین جنگ از سوی پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع)، صادر شده و انضباط و نظم در بین سپاهیان اسلام، همانند سایر شئون زندگی، مورد تأکید بوده است. سربازان و فرماندهان هر یک در زمان جنگ تکالیفی دارند. وظیفه فرمانده آن است که مراقبت نماید تا در سپاه او فرائض و واجبات الهی به نحوی به موقع اجرا گذاشته شود که سپاهیان نه عمل خلاف دینی را مرتکب شوند و نه قانون را نقض نمایند. به همین جهت است که پیامبر اسلام (ص) فرموده است: سربازان خود را از گرایش به فساد... و فریبکاری... و زنا بازدارید. به‌طور کلی بر اساس موازین اسلام تعرض به افراد غیرنظامی و افرادی که در جنگ دخالت مستقیم نداشته‌اند، بخصوص زنان، کودکان، افراد مریض و سالخورده‌گان و نیز افرادی که سلاح بر زمین گذاشته‌اند یا از جنگیدن فرو مانده‌اند مثل مجروحان، اسیران و تسلیم‌شدگان از سپاه دشمن، ممنوع و موجب سرزنش است، امروزه تمامی دولت‌ها مکلف‌اند در حقوق داخلی خود نقض فاحش قواعد و عرف‌های جنگی را جرم تلقی نموده و مرتکبان آن‌ها را تحت تعقیب کیفری قرار دهند. زیرا قواعد

ز: تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری، یا هر شکل دیگر خشونت جنسی هم‌سنگ با آن‌ها

ح: تعقیب و آزار مداوم هر گروه یا مجموعه‌ی مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی یا علل دیگر، در ارتباط با هر یک از اعمال مذکور در این بند یا هر جنایت مشمول صلاحیت دیوان که در سراسر جهان به‌موجب حقوق بین‌المللی غیرمجاز شناخته شده است.

ط: ناپدید کردن اجباری اشخاص

ی: جنایت تبعیض نژادی

ک: اعمال غیرانسانی مشابه دیگری که عامداً به‌قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه‌ی شدید به جسم یا به‌سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد.

این اعمال هنگامی جنایت علیه بشریت محسوب می‌شوند که در چارچوب یک حمله‌ی گسترده یا سازمان‌یافته بر ضد یک جمعیت غیرنظامی با علم به آن حمله ارتکاب یافته باشند، اعم از اینکه در زمان صلح باشد یا جنگ. در نتیجه دیوان زمانی می‌تواند در مورد این جنایات اعمال صلاحیت کند که شرایط یاد شده موجود باشد؛ در غیر این صورت فاقد صلاحیت جهت رسیدگی به این جنایات است. به‌عبارت‌دیگر در صورت فقدان این شرایط که در صدر ماده‌ی ۷ پیش‌بینی شده‌اند، یعنی گستردگی و یا سازمان‌یافتگی جنایات، ارتکاب آن‌ها بر ضد یک جمعیت غیرنظامی و علم مرتکب به حمله موردنظر، اعمال ارتكابی جنایت علیه بشریت به مفهوم تعیین شده در اساسنامه دیوان محسوب نمی‌شوند و دیوان نیز صلاحیت رسیدگی به آن‌ها را ندارد، (طهماسبی، ۱۳۹۱: ۲۳۸).

موضوع بعدی این است که در اساسنامه به‌عنوان گزینه چنین آمده که جرائم مذکور در صورتی جرم علیه بشریت محسوب می‌شوند که به‌طور «سامان‌مند و عمومی که همه‌ی افراد را بر بگیرد» واقع شوند. به‌عبارت‌دیگر قتل یا شکنجه یک فرد یا افراد معینی بدون آن که خصوصیت همه‌گیر و عمومی داشته باشد جرم علیه بشریت نیست. نظر هیئت نمایندگی

کنوانسیون‌های ژنو (۱۲ اوت ۱۹۴۹)^۵ دائر بر الزام دولت‌ها به تعقیب کیفری مرتکبان نقض فاحش مقررات این کنوانسیون‌ها، معرفی شده و دولت‌ها مکلفند ساز و کار تقنینی و قضایی اجرای این تکلیف را در نظام حقوقی خود فراهم آورند. اما با توجه به اینکه مرتکبین این اعمال معمولاً حاکمان و صاحب منصبان هستند، بخصوص زمانی که در سطح وسیع و در قالب برنامه‌های جنگی یک حکومت ارتکاب یابند، لذا سازو کارهای ملی برای اجرای عدالت کافی نبوده و بر همین اساس نقض این دسته از حقوق بشر دوستانه‌ی بین‌المللی در حقوق بین‌الملل مورد توجه ویژه می‌باشد. از دیدگاه حقوق بین‌المللی، جنایات جنگی به نقض فاحش قواعد بشردوستانه بین‌المللی یعنی مقررات و عرف‌های حاکم بر منازعات مسلحانه اطلاق می‌شود. البته حقوق بشر دوستانه بین‌المللی شامل یک سلسله وسیع از قواعد تکنیکی است که نمی‌توان نقض همه آن‌ها را جنایت جنگی تلقی کرد. اینکه نقض کدامیک از این قواعد جنایت جنگی محسوب می‌شود، یکی از چالش‌های حقوق بین‌الملل کیفری است، (طهماسبی، ۱۳۹۱: ۲۰۴).

دیوان نسبت به جرائم جنگی صلاحیت دارد به‌ویژه هنگامی که این جرائم در قالب یک برنامه یا یک سیاست صورت پذیرفته یا جزئی از یک زنجیره جرائم مشابه باشد که در سطح گسترده ارتکاب یافته است، (شریعت باقری، ۱۳۸۵: ۱۰).

- جنایت تجاوز

تجاوز به‌عنوان مهم‌ترین عامل تهدیدکننده صلح و امنیت جهانی در منشور سازمان ملل متحد نیز با تعبیر «تهدید علیه صلح» و «نقض صلح» مورد توجه قرار گرفته است. مهم‌ترین مانع تعقیب مرتکبین این جنایت از گذشته تا به حال عدم موفقیت سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی در ارائه تعریفی مورد قبول از این جنایت است. جنایت تجاوز در فهرست جرائم داخل در صلاحیت دیوان قرار دارد درحالی‌که بسیاری از

کشورها معتقد بودند اصولی‌تر آن بود که جنایت تجاوز خارج از صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری قرار می‌گرفت. نظر هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران به طور قاطع بر این است که دیوان بین‌المللی کیفری می‌بایست به رسیدگی به جرم تجاوز صلاحیت داشته باشد. به‌موجب ماده ۵ اساسنامه دیوان، جنایت تجاوز یکی از جنایات مشمول صلاحیت موضوعی دیوان است. اما اعمال صلاحیت دیوان زمانی مقدور است که مطابق مواد ۱۲۱ و ۱۲۳، مقررات مربوط به این جنایت شامل تعریف و تعیین شروطی که دیوان به موجب آن در خصوص جنایت تجاوز اعمال صلاحیت خواهد کرد، تصویب شده باشد. این مقررات باید هماهنگ با مقررات مربوط در منشور ملل متحد باشد، (طهماسبی، ۱۳۹۱: ۲۵۸).

۳- شرایط اعمال صلاحیت جهانی در حقوق کیفری ایران

اصل صلاحیت جهانی همانند اصل صلاحیت شخصی واصل صلاحیت واقعی بدون قیدوشرط نیست و اعمال آن منوط به تحقق شرایطی است؛ زیرا همان‌گونه که در قوانین و مقررات کشورها آمده است اصل بر صلاحیت سرزمینی است و سایر اصول، استثنای بر این اصل است واصل صلاحیت جهانی زمانی قابل‌اعمال است که اصل صلاحیت سرزمینی واصل صلاحیت شخصی واصل صلاحیت واقعی قابل‌اعمال نباشد و تبعاً باتوجه‌به این مطالب اجرای این اصل با تحقق شرایطی خاص همراه است که این شرایط را در زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم

- وقوع جرم در خارج از قلمرو حاکمیت کشور

همان‌طور که گفته شد، اصل بر صلاحیت سرزمینی است و این اصل که یک قاعده‌ی اصولی در مسائل جزایی به شمار می‌آید ناشی از استقلال متقابل کشورها است. باتوجه‌به اینکه اجرای مجازات در هر کشوری تعلق به قدرت آن کشور دارد و حقوق جزا یکی از رشته‌های حقوق عمومی به شمار می‌آید؛ بنابراین کشوری که در مقام مجازات جرمی که در خارج از قلمرو آن کشور ارتکاب یافته بر می‌آید، در واقع به حاکمیت

^۵ کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ (۱۲ اوت)

حقوق بین‌المللی محاکمه‌ی غیابی مجرمین را نمی‌پذیرد. در مورد مشروعیت اجرای اصل صلاحیت جهانی به صورت مطلق، یعنی صلاحیتی که مشروط به حضور مرتکب جرم در قلمرو دولت مدعی صلاحیت نیست. میان حقوق‌دانان اختلاف نظر به چشم می‌خورد. برخی معتقدند که حقوق بین‌الملل عرفی، اعمال اصل صلاحیت جهانی مطلق نسبت به راهزنی، اعمال آن تحت شرایطی نسبت به سایر جرائم هم ممکن است، در ایران هم این اختلاف نظر شدید به چشم می‌خورد برخی از صاحب‌نظران هنگام اظهار عقیده در مورد اعمال چنین صلاحیتی نسبت به جنایات جنگی با توجه به هدف اصل صلاحیت جهانی که اجرای عدالت و جلوگیری از گریز جنایت‌کاران است تصریح کرده‌اند که این صلاحیت را باید در مورد متهمانی هم اعمال نمود که در خاک دولت متبوع نیستند یا از محل آنها اطلاعی در دست نیست، (رنجبریان، ۱۳۸۱: ۱۴۰).

اما برخی از نویسندگان وجود ارتباطی، هرچند اندک، میان جرم و دولت مدعی صلاحیت را لازم دانسته و بر لزوم مرتکب در قلمرو این دولت تأکید ورزیده‌اند. از نظر این عده، هدف از اعطای صلاحیت جهانی به یک دولت، جلوگیری از بی‌کیفر ماندن مجرمینی است که برای فرار از مجازات به آنجا پناهنده شده‌اند نه تبدیل آن دولت به دادسرای بین‌المللی جرائم، در واقع، طرف‌داران نظریه اول با حذف شرایط اضافی برای اعمال این صلاحیت، در صدد متفی ساختن تعارض منفی صلاحیت‌ها هستند تا مرتکب جرم حتماً محاکمه شده و بی‌کیفر نماند؛ اما پیروان نظریه دوم، با مقید ساختن اعمال صلاحیت مزبور به حضور مرتکب جرم در کشور محل دستگیری سعی در کاستن از احتمال بروز تعارض مثبت صلاحیت‌ها و در نتیجه جلوگیری از امکان محاکمه‌ی متهم در چند کشور برای ارتکاب جرم واحد دارند. در قانون مجازات اسلامی ایران با الهام از مفهوم کلاسیک اصل صلاحیت جهانی که قاضی کشور محل دستگیری را صالح به رسیدگی به جرم مرتکب می‌شناسد، عبارت «اگر در ایران دستگیر شد» را در

ملی کشوری که جرم در آنجا واقع شده لطمه می‌زند به همین دلیل کشور اخیر نمی‌تواند این تجاوز را تحمل نماید، (علی‌آبادی و عبادی، ۱۳۸۵: ۱۱۹).

بنابراین، اولین و مهم‌ترین شرط این است که جرم در خارج از قلمرو حاکمیت کشور اعمال‌کننده‌ی صلاحیت واقع شده باشد و اگر جرم در داخل قلمرو حاکمیت آن کشور اتفاق افتاده باشد آن دولت با استفاده از اصل صلاحیت سرزمینی به آن رسیدگی خواهد کرد و در واقع هم همین است؛ چون نظم عمومی آن کشور با ارتکاب جرم مختل گردیده است و همچنین از نظر آیین دادرسی نیز همه آثار و شواهد در محل ارتکاب جرم است و رسیدگی به جرم نیز قطعاً در آنجا آسان‌تر است از طرف دیگر اگر اجرای اصل صلاحیت سرزمینی به طور مطلق اجرا شود نتیجه آن این خواهد شد که گاهی اشخاصی که مرتکب جرائم سنگین شده‌اند از مجازات رهایی یابند؛ مثلاً فرض شود تبهکاری که در خاک ترکیه مرتکب جرم شده در ایران مأمن گزینند با اینکه حضور او در ایران ایجاد خطر می‌کند معذالک رعایت اصل صلاحیت سرزمینی، مقامات قضایی ایران را منع می‌کند که به جرم او رسیدگی نمایند و تسلیم مقصر هم اگر تبعه ایران باشد نمی‌تواند جامه عمل بپوشد؛ زیرا تسلیم تبعه که در ایران پناهگاه بسته بر خلاف عرف و سنت بین‌المللی است؛ بنابراین لازم است که اصول صلاحیت دیگر نیز وجود داشته باشد.

- حضور مجرم در محل دستگیری

شرط دوم اعمال اصل صلاحیت جهانی رسیدگی فوری و سریع به اعمالی است که از دید جامعه‌ی جهانی، به‌عنوان جرم بین‌المللی شناخته شده‌اند. از این روست که برای اجرای سریع عدالت اجازه تعقیب به دولت محل دستگیری داده شده است و لازمه‌ی اجرای چنین عدالتی وجود مجرم در تحت قدرت و تسلط دولت محل دستگیری است، (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۸۳: ۳۸۵).

لازم را با دولتی که به جرم چنین مجرمی رسیدگی می‌کند به عمل آورند و آنها نیز در صورت یافتن آن مجرم، او را در اختیار آن دولت قرار داده تا به کیفر عمل خود برسد، (کریم‌پور، ۱۳۸۴: ۳۳).

۳- مجرمانه بودن عمل در کشور محل دستگیری

برای اعمال اصل صلاحیت جهانی لازم است که عمل ارتكابی علاوه بر کشور محل وقوع جرم، در کشور محل دستگیری هم مجرمانه و قابل مجازات باشد. زیرا متهم با آنکه در کشور دیگری مرتکب جرم شده ولی تحت تسلط قوانین جزایی کشور دیگری قرار گرفته است؛ بنابراین لازم است عهدنامه‌ای بین‌المللی بر جرم بین‌المللی بودن عمل وجود داشته و کشور محل دستگیری هم به آن ملحق شده باشد در غیر این صورت، دولت محل دستگیری نمی‌تواند مدعی صلاحیت جهانی بر شخصی باشد که او را در کشور خود دستگیر کرده است. یا اینکه باید در قوانین داخلی خود این جرائم را پیش‌بینی نموده و برای آن تعیین مجازات کرده باشد این شرط در اصل صلاحیت شخصی و قوانین و مقررات راجع به استرداد مجرمان نیز وجود دارد و در واقع اگر کشور محل دستگیری که اصل صلاحیت جهانی را اعمال می‌کند عمل را جرم نشناخته باشد رسیدگی به این جرم بر خلاف حقوق کیفری و اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها است و در عمل رسیدگی به چنین جرمی نیز با مشکل مواجه می‌شود، (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۸۳: ۳۸۵).

۴- چالش‌های اعمال صلاحیت جهانی در حقوق کیفری ایران

اصل صلاحیت جهانی استثنا است و در واقع یک صلاحیت فرعی است و صلاحیت ناشی از محل وقوع جرم و صلاحیت شخصی مقدم بر آن هستند و این نیز طبیعی است؛ زیرا قاضی محل وقوع جرم طبعاً از هر قاضی دیگری بهتر کیفیات جرم را می‌شناسد و همچنین قاضی کشور متبوع مجرم نیز بهتر او را

ماده ۸ گنجانیده است تا صلاحیت رسیدگی دادگاه‌های ایران نیز مانند بسیاری از دولت‌های دیگر برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی موضوع بحث، به استناد اصل صلاحیت جهانی، محدود و ناچیز است، (خالقی، ۱۳۸۲: ۲۹).

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که اصل صلاحیت جهانی تنها به مفهوم دستگیری و محاکمه‌ی متهم حاضر در محل دستگیری است یا آنکه در مفهومی وسیع‌تر، شامل تلاش برای جستجو و دستگیری کسانی نیز می‌شود که هیچ‌گاه در خاک دولت متبوع دادگاه حاضر نشده و شاید هم در کشور خود آسوده از هر پیگیری روزگار می‌گذرانند؟ باتوجه به نظرات ارائه شده در بالا این نکته قابل‌درک است که بسیاری از دولت‌ها تعقیب کسانی را که در خاک آنها حاضر نیستند و دسترسی به آنها ندارند بی‌فایده بیندارند؛ اما باید توجه داشت که تلاش برای یافتن و دستگیری متهمان به جنایات موضوع اصل صلاحیت جهانی که در کشور متبوع دادگاه حاضر نیستند معنای واقعی به اصل صلاحیت جهانی می‌بخشد. در واقع نص کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو نیز، امرانه دولت‌ها را مکلف به جستجوی متهمان به‌منظور محاکمه‌ی آنها می‌کند و چنین الزامی منوط به حضور آنان نشده است. از این دیدگاه تعهد مذکور در کنوانسیون‌های بین‌المللی، در صورت حضور متهم در کشور متبوع دادگاه، به معنای تعهد به جستجو در قلمروی همان کشور و تحویل متهم به دادگاه است و در صورتی که متهم در خارج از قلمروی کشور متبوع دادگاه باشد به معنای جستجو و پیگرد او در هر جای ممکن است، به نظر نگارنده، باتوجه به اینکه هدف از اعطای صلاحیت جهانی به یک دولت، جلوگیری از بی‌کیفر ماندن مجرمین جرائم مهم بین‌المللی است و همچنین در نبود سازوکارهای بین‌المللی قوی در جهت مجازات این‌گونه مجرمین و اتکای حقوق بین‌الملل کیفری به دادگاه‌های محلی، نباید تنها به دلیل حضورنداشتن متهمان در خاک دولت مایل به محاکمه این‌گونه مجرمین، بدون مجازات بمانند و در واقع معنای واقعی اصل صلاحیت جهانی نیز همین است و دولت‌های دیگر نیز باید همکاری

جغرافیایی معین و در مدت‌زمان مشخص ارتکاب یافته باشد. قانون سال ۱۹۹۱ انگلستان که عنوان قانون جرائم جنگی را دارد، یکی از آنهاست. اما این قانون تنها اتباع بریتانیایی یا اشخاص مقیم بریتانیا را که مرتکب پاره‌ای جرائم جنگی در آلمان یا قلمرو اشغالی آلمان در دوران جنگ دوم جهانی شده‌اند، قابل محاکمه می‌داند. یا قانونی که فرانسه در مورد جرائم علیه بشریت و نسل‌کشی تصویب نموده است که صلاحیت جهانی در آنها تنها در قبال جرائمی که در منازعات اخیر در یوگسلاوی سابق و رواندا رخ داده است، اعمال می‌شود دادگاه‌های آلمان محدودیت‌های بیشتری را در نظر گرفته‌اند. آنها برای اعمال صلاحیت نیاز به وجود رابط‌های بین کشور آلمان و متهم دارند (مثل اقامت طولانی در آلمان یا ازدواج با اتباع آلمان) آنها می‌گویند که اعمال صلاحیت بدون چنین ارتباطی دخالت در امور داخلی دولت‌های دیگری است که جرم در قلمرو آنها واقع شده است. این مسئله آشکارا تصور نادرستی است، چرا که به‌موجب معاهدات بین‌المللی، همچنین به‌موجب حقوق بین‌الملل عرفی برای اعمال صلاحیت جهانی نسبت به مرتکبین نقض سنگین و فاحش حقوق بشر، وجود ارتباط بین دولت رسیدگی‌کننده به جرم و متهم ضرورت ندارد. وجود این نوع محدودیت‌ها در کشورهای اروپایی مشکلات زیادی را به وجود آورده است، چرا که معمولاً جنایت‌کاران بین‌المللی به کشورهای توسعه‌یافته اروپایی فرار می‌کنند تا باقی عمر را در آرامش و آسایش سپری کنند. مسئله محدودیت‌های قانونی سبب شد تا اکثر جنایت‌کاران صرب‌ها که به آلمان گریختند از مجازات در امان بمانند و کسی نتواند ایشان را بازداشت و محاکمه نماید، درحالی‌که بسیاری از قربانیان ایشان نیز شاهد حضور آزادانه آنها در آلمان و تقاضای پناهندگی ایشان بودند.

- اجرای حکم

یک مشکل دیگر بر سر راه اجرای صلاحیت جهانی این است که هرگاه صلاحیت جهانی با الحاق و تصویب معاهدات

می‌شناسد و در نتیجه بهتر می‌تواند تدبیر مناسب جهت رفتار وی در نظر بگیرد، (کریم‌پور، ۱۳۸۴: ۳۳).

شاید بتوان گفت بزرگ‌ترین مشکل بر سر راه اجرای صلاحیت جهانی، عدم توسعه صلاحیت فراسرزمینی و عدم تضمین، قوانین کیفری مناسب است. اصولاً همه کشورها اصل صلاحیت سرزمینی و بعد از آن صلاحیت واقعی و در اکثر اوقات صلاحیت شخصی را پذیرفته‌اند، اما آنها قادر نیستند بدون وضع قواعدی برای صلاحیت جهانی، اقدام به توسعه صلاحیت خود نموده و به تعقیب و بازداشت و محاکمه جنایت‌کاران بین‌المللی بپردازند، دولت‌ها البته می‌توانند با استرداد مجرمان بین‌المللی به کشورهایی که تمایل به مجازات این اشخاص دارند، به اجرای عدالت کمک نموده و قلمرو خود را برای جنایت‌کاران، ناامن سازند. اما اگر دولتی وجود نداشته باشد تا تقاضای استرداد و محاکمه و مجازات این جنایت‌کاران را بنماید و یا اینکه این دولت‌ها به دلیل اشکالات و موانع مختلفی که بر سر راه استرداد مجرمین وجود دارد (مثل عدم وجود موافقت‌نامه‌های معاضدت قضائی) قادر نباشند مجرمین را به کشور درخواست‌کننده مسترد نمایند، مطمئناً باز هم جنایت‌کاران بدون مجازات خواهند ماند، رویه دولت‌ها نشان داده است که نه تنها دادگاه‌ها تمایلی به اعمال اصل صلاحیت جهانی و حتی مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر ندارند، بلکه می‌خواهند که عملکردشان با اصل «عدم جواز محاکمه مضاعف» در تعارض قرار نگیرد.

- تعیین قانون صالح

گاهی اوقات دولت‌ها مایل هستند تا صلاحیت خود را نسبت به مجرمان بین‌المللی اعمال نمایند؛ اما قادر به این کار نیستند، چرا که مشکلاتی بر سر راه آنان قرار دارد. این مشکل همان محدودیت‌های ایجاد شده توسط قانون‌گذار داخلی است، همانند محدودیت‌های مکانی و زمانی که بعضی از کشورها برای اعمال صلاحیت قائل شده‌اند؛ یعنی صلاحیت جهانی را نسبت به جرائمی اعمال می‌کنند که در محدوده

نتیجه‌گیری

اصل صلاحیت جهانی مشروعیت خود را از عرف و معاهدات بین‌المللی و نهایتاً قوانین ملی دولت متبوع دادگاه کسب می‌نماید. اجرای این اصل در ابتدا به صورت اختیاری بود. ولی در پاسخ به نیازهای جامعه بین‌المللی رفته‌رفته ماهیت الزامی به خود گرفته است، زیرا اصولاً تعهد هر یک از دولت‌ها در برابر کل جامعه بین‌المللی برای تعقیب جرائم بین‌المللی، یک تعهد «ارگا اُمس» محسوب می‌گردد. در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش و تأیید فرضیه پژوهش می‌توان گفت که اصل صلاحیت جهانی بدین معنی است که در پاره‌ای از جرائم بین‌المللی هرچند در خارج از قلمرو حاکمیت یک دولت اتفاق بیفتد و متهم و مجنی‌علیه نیز تبعه آن کشور نباشد، در صورتی که متهم در آن کشور یافت شود می‌تواند مورد تعقیب یا محاکمه قرار گیرد. ماده ۹ قانون مجازات اسلامی، اصل صلاحیت جهانی را پذیرفته و اشعار می‌دارد «در مورد جرایمی که موجب قانون خاص یا عهد بین‌المللی مرتکب در هر کشوری که به دست آید، محاکمه می‌شود اگر درایران دستگیر شد. طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد» در این خصوص جرایمی نظیر دزدی دریایی، هواپیماربایی، قاچاق انسان، جنایات جنگی، نسل‌کشی، قاچاق مواد مخدر... قرار دارند که جرایمی فراملی و فراسرزمینی بوده و نسبت به آحاد جامعه بشری در سطح بین‌المللی خطرناک تلقی و افراد در سطح بین‌المللی اعم از حقیقی و یا حقوقی نسبت به آن اعلان انزجار نموده و بر این مبنا کنوانسیون‌ها و یا قوانین خاص داخلی آن را مشمول صلاحیت جهانی قرار داده است. یکی از اهداف عمده حقوق جزای بین‌الملل، جلوگیری از بی مجازات ماندن مجرمین است. در واقع یکی از اهداف مبانی پیش‌بینی اصل صلاحیت جهانی، سرکوب رفتارهایی است که نتیجه‌ی آن، آسیب به منافع کل جامعه‌ی بین‌المللی و به تعبیر رساتر همه‌ی

بین‌المللی پذیرفته شده باشد و در نظام حقوقی داخلی، قوانینی در این راستا وضع نشده باشد، کار بسیار دچار مشکل می‌شود، چرا که غالب کنوانسیون‌های بین‌المللی به طور مستقیم در نظام داخلی قابل اجرا و قابل استناد نیستند و محاکم نمی‌توانند با استناد به آن‌ها کسی را تحت تعقیب قرار داده یا برایش مجازات مقرر نمایند. معاهداتی همچون کنوانسیون داوری نیویورک ۱۹۵۸ وجود دارند که مستقیماً برای قضات محاکم ملی قابل استناد هستند، اما غالب معاهدات به خصوص در زمینه حقوق بین‌الملل کیفری به جهت آنکه یا جرم‌انگاری ننموده‌اند، یا حدود و ثغور رسیدگی به یک جرم را تعیین نکرده‌اند، یا فاقد سازوکارهای اجرایی بوده و یا مجازات‌هایی برای جرائم بین‌المللی در نظر نگرفته‌اند، در محاکم داخلی قابل اجرا نیستند. پس مراجع قانون‌گذاری دول عضو باید زمینه ورود این تعهدات بین‌المللی را در حقوق داخلی فراهم سازند. هرگاه به موجب معاهدات، تعهدی مبنی بر اعمال صلاحیت جهانی نسبت به مرتکبین جرائم بین‌المللی وضع گردد، قانون‌گذار داخلی باید صراحتاً در قوانین کیفری خود اعمال صلاحیت جهانی را بپذیرد و یا سازوکاری را برای اجرای آن فراهم سازد. البته دولت‌ها تاکنون با وضع قوانین مختلف و نیز رسیدگی به جنایات بعضی از مجرمان بین‌المللی این سازوکار را چه در صلاحیت قانونی و چه در صلاحیت قضائی خود پذیرفته‌اند. ممکن است گفته شود که دولت‌ها در صورت تمایل، می‌توانند بدون وضع قواعد داخلی و با استناد به عرف‌های بین‌المللی مربوط به مجازات جنایت‌کاران، اقدام به اعمال صلاحیت جهانی نمایند؛ اما ظاهراً تاکنون هیچ دولتی اجرای اصل صلاحیت جهانی را یک امر عرفی تلقی ننموده و بدون وضع قوانین، صلاحیت فراسرزمینی خود را اعمال ننموده است؛ بنابراین ادعای عرفی بودن اصل مذکور در حال حاضر چندان مقبول نیست و دولت‌ها تاکنون تنها با استناد به قوانین داخلی خود و کنوانسیون‌های بین‌المللی که عضو آن هستند، اقدام به رسیدگی قضایایی نموده‌اند که هیچ عنصر ارتباطی با کشور آن‌ها ندارد، (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۶۴).

بشریت است. حال مفهوم صلاحیت جهانی از دو سو روبه‌توسعه است: از یک سو جرائم دیگری، به جز آنچه دولت متبوع قاضی به‌موجب عهدنامه یا قانون، ملزم به اجرای آن است می‌تواند مشمول صلاحیت جهانی باشد. جرائم علیه بشریت، نسل‌کشی، جرائم جنگی و تجاوز به‌ویژه از جرایمی هستند که دولت‌ها موظف‌اند متهمین به آنها در هر جا و از سوی هر کسی اتفاق افتاده محاکمه نمایند. از سوی دیگر دستگیری متهم در قلمرو کشور قاضی شرط اعمال صلاحیت محاکم نیست. محاکم می‌توانند پژوهش‌های مقدماتی را تا زمان دستگیری متهم و عنداللزوم در خواست استرداد وی را انجام دهند. در پاسخ به سؤال و فرضیه دوم نیز می‌توان گفت که بنابراین صلاحیت جهانی نوعی دیگر از صلاحیت فراسرزمینی است و مبتنی بر تعهدات ناشی از کنوانسیون‌ها و تعهدات عام‌الشمول است. تمام دولت‌ها نسبت به تعهدات عام‌الشمول و دولت‌های عضو کنوانسیون نسبت به تعهدات کنوانسیونی خود متعهد به اجرای آن هستند. این نوع صلاحیت تحت امر «مسترد کن یا محاکمه کن» قرار دارد. امروزه نسبت به جرم دزدی دریایی، هواپیماربابی و اقدام نسبت به امنیت هوانوردی کشوری، جنایت نسل‌کشی، جنایات جنگی، تروریسم، مواد مخدر و..... به‌عنوان تعهدات کنوانسیونی این نوع صلاحیت وجود دارد و تمامی دولت‌های عضو کنوانسیون‌های مربوطه باید اعمال چنین صلاحیتی را در قوانین داخلی خود پیش‌بینی نمایند. اگرچه امروزه بیشتر کشورهای جهان اصل صلاحیت کیفری جهانی را در قوانین داخلی خود به رسمیت شناخته‌اند؛ اما تاکنون تعداد کمی از آنها مانند آلمان و ایالات متحده آمریکا به اجرای این اصل اقدام کرده‌اند از بین دو کشور مزبور، آلمان بیش از آمریکا ادعای صلاحیت جهانی دارد؛ زیرا آمریکا به خانواده حقوق کامن لو تعلق دارد و مطابق یک قاعده سنتی کامن لو، جرم تماماً داخلی و سرزمینی است. درعین حال نظام حقوقی این کشور با نگرش قضایی جدید، بیش‌ازپیش ادعای صلاحیت فراسرزمینی دارد. به‌رغم موضع مشترک هر دو کشور در

خصوص پذیرش اصل صلاحیت جهانی و داشتن برخی شرایط و خصوصیات مشابه در خصوص این اصل، اما نسبت به بیشتر موارد مانند گستره جرائم مشمول آن اصل، قواعد مجرمیت مضاعف و منع محاکمه مجدد، روش‌های قانون‌گذاری و نظریه اصل صلاحیت جهانی، تفاوت‌هایی میان نظام‌های حقوقی این دو کشور به چشم می‌خورد. برخلاف آمریکا، آلمان جزء نخستین کشورهایی است که اصل مورد بحث را بر مبنای عرف یا معاهدات بین‌المللی وارد قانون داخلی نمود و اولین کشوری بوده است که در قانون‌گذاری، ادعای چنین صلاحیتی را بر جرائم اصلی مشمول صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی کرده است. همچنین آلمان نه فقط در مقایسه با آمریکا بلکه در میان همه کشورها، فعال‌ترین کشور در اجرای اصل صلاحیت جهانی بوده است. دلیل عمده این امر گذشته از نظام قانون‌گذاری آن کشور، حضور شمار فراوانی از پناه‌جویان یوگسلاوی سابق در قلمرو آلمان است. علاوه بر این باتوجه‌به مسئله هدف و انگیزه، در عملکرد دادگاه‌های این کشور بیشتر نوعی صلاحیت جهانی نیابتی در اجرای قاعده «یا استرداد یا محاکمه» دیده می‌شود درحالی‌که در موارد اعمال صلاحیت جهانی توسط دادگاه‌های آمریکا، نوعی صلاحیت جهانی یک‌جانبه، بر مبنای منافع خاص مورد حمایت آن کشور را می‌توان یافت.

منابع و مأخذ

۱. آشوری، محمد. (۱۳۸۲). *آیین دادرسی کیفری*، چ ۳، ج ۲، تهران، انتشارات سمت.
۲. نجفی‌ابرنادآبادی، علی‌حسین. (۱۳۸۳). *علوم جنایی*: مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، چ ۱، تهران، انتشارات سمت.
۳. حامد، سهیلا. (۱۳۸۶). *صلاحیت جهانی*، چ ۱، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۴. حسینی نژاد، حسینقلی. (۱۳۹۱). *حقوق کیفری بین‌المللی*، چ ۴، تهران، انتشارات میزان.

۵. سلیمی، صادق. (۱۳۹۳). چکیده حقوق جزایی عمومی: جرم (پدیده مجرمانه)، مسوولیت کیفری، چ ۵، تهران، جاودانه، جنگل.
۶. طهماسبی، جواد. (۱۳۹۱). صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، چ ۲، تهران، انتشارات جاودانه جنگل.
۷. عسگری پور، حمید. (۱۳۸۷). مجموعه کامل قوانین داخلی و قواعد بین‌المللی مواد مخدر، چ ۲، تهران، انتشارات مجد.
۸. علی آبادی، عبدالحسین؛ عبادی، شیرین. (۱۳۸۵). حقوق جنایی، ج ۲، چ ۲، تهران، انتشارات فردوسی.
۹. شریعت باقری، محمدجواد. (۱۳۸۵). «اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری»، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره بیست و هشتم.
۱۰. ساک، کریانگ؛ شیایزری، کیتی. (۱۳۹۳). حقوق بین‌الملل کیفری، مترجم: یوسفیان، بهنام؛ اسماعیلی، محمد، چ ۱، تهران، انتشارات سمت.
۱۱. میرمحمد صادقی، حسین. (۱۴۰۲). دادگاه کیفری بین‌المللی، چ ۱، تهران، انتشارات دادگستر.
۱۲. رنجبریان، امیرحسین. (۱۳۸۱). «قانون ۱۹۹۳-۱۹۹۹ بلژیک، رأی ۱۴ فوریه ۲۰۰۳ دیوان بین‌المللی دادگستری، صلاحیت کیفری جهانی در بته آزمون» مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۸.
۱۳. خالقی، علی. (۱۳۸۲). «محاکمه صدام و مسئله صلاحیت دادگاه از منظر حقوق داخلی و بین‌المللی» مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲، شماره ۴.
۱۴. کریم‌پور، مریم. (۱۳۸۴). «اصل صلاحیت جهانی در حقوق ایران و حقوق جزای بین‌الملل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.